

امکان سنجی سرایت احکام اماکن مقدس به مقادیر توسعه یافته

مهدی ساجدی^۱ و حسام‌الدین ربانی^۲

چکیده

در آیات و روایات اسلامی برخی از اماکن دینی - مانند شهر مکه، مسجدالحرام و مسجدالنبی - از قداست و احکام خاصی برخوردار است؛ مثلاً مکلفی که غسل بر او واجب شده مجاز نیست بدون طهارت به این دو مسجد وارد شود یا متمتع پس از اتمام اعمال عمره تمتع، مطلقاً یا در فرض خوف فوت حج نباید از شهر مکه خارج شود. باید توجه داشت که این اماکن مقدس در طول تاریخ و گذر زمان با توسعه و تحول همراه بوده و مساحت و محدوده آنها افزایش یافته است. از این رو ترتب احکام مختص به این مکان‌ها بر محدوده افزایش یافته آنها محل تردید است. این تردید باعث شده تا برخی از فقها احکام اختصاصی این مکان‌ها را فقط بر محدوده قدیم آن جاری بدانند و برخی دیگر معتقد شوند، توسعه تأثیری بر ترتب حکم شرعی ندارد. نتایج حاصل از این تحقیق، که به صورت کتابخانه‌ای و نرم افزاری و با تحلیل ادله صورت گرفته، حاکی از این است که توسعه اماکن مقدس تأثیری بر حکم مختص به این مکان‌ها ندارد و در این باره حق به جانب فقیهانی است که معتقدند: «مادامی که عرفاً عنوان بر محل توسعه یافته از این مکان‌ها صادق است، حکم شرعی مترتب می‌شود».

کلیدواژه‌ها: توسعه، قدیم، جدید، مسجدالحرام، مکه.

۱. استادیار دانشکده معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران (نویسنده مسئول)

(mehdisajedi85@yahoo.com)

۲. استادیار دانشکده معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

(hesamrabbani921@yahoo.com)

برخی از مکان‌های مذهبی بر اساس فضیلت‌هایی که در روایات برای آنها بیان شده،^۱ از احترام و قداست خاصی برخوردارند. همچنین فقیهان امامیه احکام شرعی خاصی درباره این مکان‌ها بیان کرده‌اند که هر مکلفی ملزم به رعایت آنهاست؛ برای نمونه درباره مسجد الحرام در روایات و کتب فقهی چنین آمده که «داخل شدن بدون غسل در این مسجد مقدس حتی به صورت ورود از یک در و خروج از در دیگر جایز نیست» (محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۲۶؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۸۲؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۵۵؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۳) و «ثواب خواندن نماز واجب در این مسجد معادل ثواب صد هزار نماز در غیر این مسجد است». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۵؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۷۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۲۶؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۸)

همچنین یکی از احکام اختصاصی شهر مقدس مکه، عدم جواز ورود بدون احرام به این شهر است. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۸۲؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۳۸۰؛ مازندرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۲۵؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۹۳؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۱۲۵؛ گلپایگانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۰)

مشهور فقیهان امامیه معتقدند: «متمتع نباید پس از اتمام عمره تمتع و قبل از

۱. برای نمونه در باره فضیلت مسجد کوفه در روایات چنین آمده: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ عُمَرُو بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخُرَازِيِّ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «...مَا مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا وَقَدْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ كَوْفَانَ حَتَّى أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أَسْرَى اللَّهُ بِهِ، قَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَدْرِي أَيْنَ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّاعَةَ؟ أَنْتَ مُقَابِلُ مَسْجِدِ كَوْفَانَ، قَالَ: فَاسْتَأْذَنَ لِي رَبِّي حَتَّى آتَيْتُهُ، فَأَصَلَّ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ، فَاسْتَأْذَنَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - فَأَذِنَ لَهُ، وَإِنَّ مِمْتَنَةَ لِرُؤُوسَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ وَسَطَهُ لِرُؤُوسَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ مَوْخَرَهُ لِرُؤُوسَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ، وَإِنَّ النَّافِلَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ خَمْسِينَ صَلَاةً، وَإِنَّ الْجُلُوسَ فِيهِ بِغَيْرِ تِلَاوَةٍ وَلَا ذِكْرِ لِعِبَادَةٍ، وَلَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِيهِ، لَأَتَوْهُ وَلَوْ حُبُوا. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۶۵۹)

ادای حج، از این شهر خارج شود». (ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۱۷۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۳۸ و ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۰۰؛ حلی (فخر المحققین)، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۶۲؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۳۵؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۱۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۳۸؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۱۷۴؛ محقق سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۲، ص ۶۹۸)

مسجد شجره یکی از میقات‌هایی است که نبی مکرم اسلام ﷺ معین کرده‌اند و حاجیان نمی‌توانند بدون احرام از آن میقات بگذرند. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۱۰۷) مسجد کوفه و حائر حسینی (زیارتگاه عاشقان ابوعبدالله علیه السلام) از دیگر مکان‌های مقدسی است که مسافر مخیر است در این مکان‌ها نماز خود را تمام یا قصر ادا کند. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۶۵؛ شهید ثانی، بی‌تا، ص ۳۹۷؛ سیستانی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۰۰)

بی تردید اماکن مقدسی که از آنها نامبرده شد، در طول تاریخ توسعه یافته‌اند و بر گستره و محدوده اولی آنها در زمان تأسیس افزوده شده است. این توسعه سبب شده تا عده‌ای از فقها در ترتب حکم خاص به این مکان‌ها، بر مقادیر توسعه‌یافته تردید کنند و به لزوم انجام دادن اعمال، ولو از باب احتیاط، در محدوده قدیم حکم کنند.

اکنون سؤال این است که احکام شرعی مربوط به اماکن مقدس، به قسمت‌های قدیم این مکان‌ها اختصاص دارد یا در تمام محدوده آنها با همه گسترش و توسعه‌ای که در آنها ایجاد شده قابل جریان است؟ به دیگر سخن آیا توسعه این مکان‌های دینی مانع از ترتب حکم شرعی آنها بر مقادیر توسعه‌یافته، ولو از باب احتیاط، است یا توسعه و افزایش محدوده، مانعی بر جریان حکم شرعی خاص این مکان‌ها در قسمت گسترش یافته نیست؟ قبل از پاسخ به این پرسش مناسب است آرای فقها را در برخی از مصادیق موضوع مذکور بررسی کنیم.

۱. آرای فقها

الف) احرام در مسجد شجره

مراجعه به آرای فقیهان متقدم و متأخر امامیه گویای این نکته است که میقات بودن «حلیفه» (مسجد شجره) نزد آنان اختلافی نبوده و تنها مطلبی که درباره احرام از میقات ذوالحلیفه بحث شده است، لزوم احرام از منطقه‌ای که مسجد شجره در آن واقع شده یا از خود مسجد است. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۱۲؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۰۸؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۹۸؛ آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۳۸۸) درباره احرام از قسمت قدیم یا توسعه یافته مسجد بحثی صورت نگرفته است. اما با این وجود در آرای فقیهان معاصر، بحث از حد مسجد شجره و محدوده قدیم و جدید آن دیده می‌شود و برخی از فقها معتقد شده‌اند حج گزار از باب احتیاط در قسمت قدیم مسجد شجره محرم شود. (مظاهری، ۱۳۹۷ش، ص ۱۱۵)

ب) استظلال در مکه

در بحث از استظلال مُحرم در حال سیر نیز عمده مباحث فقیهان متأخر بر مسئله جواز و عدم جواز استظلال در حال سیر در مکه متمرکز شده است، (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۵۹۱؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۴۲) اما فقیهان معاصر درباره محدوده مکه (محدوده قدیم و جدید) نیز بحث کرده‌اند. (تبریزی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۳۱؛ مظاهری، ۱۳۹۸ش، ص ۶۰ و ۶۱)

ج) تخییر مسافر بین قصر و اتمام نماز در مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و حائر حسینی

غالب فقیهان امامیه در بحث از اماکن مقدسی که مکلف در آنها بین قصر و اتمام منخیر است، سخنی از محدوده و قسمت جدید و قدیم مطرح نکرده‌اند، اما با این وجود، برخی از فقیهان تخییر را، ولو از باب احتیاط، به قسمت‌های قدیم و قبل از توسعه در این اماکن مقدس اختصاص داده‌اند. (کاشف الغطاء،

۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۴۶؛ تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۱۴۵؛ بهجت، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۵۹۷؛ مظاهری، ۱۳۹۸ ش، ص ۲۱۷)

۲. ادله اقوال

عمده فقیهان امامیه در بحث از حکم شرعی مربوط به اماکن مقدس، درباره علت اختصاص این احکام به محدوده قدیم، استدلال خاصی را مطرح نکرده‌اند، اما ممکن است بتوان از طرف آنان، به ادله ذیل استناد کرد:

الف) روایات خاص و تنقیح مناط

در برخی از روایات حکم خوابیدن در مسجدالحرام بیان شده است؛ برای مثال زراره از امام باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند: «...هرآینه خوابیدن در مسجدالحرام در محدوده‌ای که در زمان رسول خدا بود مکروه است، اما خوابیدن در این موضع از مسجد ایرادی ندارد».^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۷۰) مطابق با این روایت نهی از خوابیدن در مسجدالحرام به قسمت‌های قدیمی مسجد، که در زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وجود داشته، اختصاص دارد و قسمت‌های توسعه‌یافته در زمان راوی را شامل نمی‌شود.

گرچه موضوع روایت، خوابیدن در مسجدالحرام است، اما به نظر می‌رسد خوابیدن خصوصیت ندارد و آنچه در ترتب حکم مسجدالحرام مؤثر است، تحقق عنوان «مسجدالحرام» است و این عنوان مطابق با روایت، از نظر شارع محدود به حدی است که در زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وجود داشته است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که ملاک در ترتب حکم شرعی بر مسجدالحرام، محدوده‌ای است که در عصر تشریح وجود داشته، و احکام شرعی فقط بر همان

۱. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ حَرِيزِ بْنِ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي النَّوْمِ فِي الْمَسْجِدِ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدَيْنِ - مَسْجِدِ النَّبِيِّ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. قَالَ: وَكَانَ يَأْخُذُ بِيَدِي فِي بَعْضِ اللَّيْلِ فَيَتَجَمَّعُ نَاجِيَةً ثُمَّ يَجْلِسُ فَيَتَحَدَّثُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ قَرِيبًا نَامًا وَنِمْتُ، فَقُلْتُ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ: إِنَّمَا يَكْرَهُ أَنْ يَنَامَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ، فَأَمَّا النَّوْمُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ.

محدوده قابل انطباق است. همچنین ممکن است گفته شود از آنجا که توسعه مسجدالحرام خصوصیت و ویژگی ندارد، چنانچه در هر مکان مقدس دیگری توسعه و گسترشی اتفاق افتد، ملاک در ترتب حکم خاص آن مکان، بخش قدیمی آنجاست.

ب) اصل عملی احتیاط

مسلم است که روایات احکام خاصی را نسبت به این مکان‌ها بیان کرده‌اند. در صورتی که مکلف، تکلیف خود را در محدوده قدیم، که یقین دارد عنوان بر آن صادق است، به انجام رساند، یقین به براءت ذمه پیدا می‌کند، اما یقین مزبور با ادای تکلیف در خارج از این محدوده حاصل نمی‌شود. ازاین‌رو یقین به اشتغال ذمه به تکلیف، براءت یقینی را می‌طلبد و براءت یقینی با انجام دادن تکلیف در محدوده قدیمی این اماکن مقدس حاصل می‌شود.

ج) واقعیت خارجی بودن مکان‌های مقدس

مکان‌های مقدسی مانند شهر مکه، مسجدالحرام، مسجد کوفه و... عناوین عامی نیستند تا دارای افراد و مصادیق متعدد باشند و احکام مترتب بر آنها مانند قضایای حقیقیه، تابع اطلاق اسم و عنوان باشد. بلکه این مکان‌های مقدس به عنوان پدیده و واقعیت خارجی موجود در عصر تشریح، موضوع حکم قرار گرفته‌اند. ازاین‌رو احکام شرعی در خصوص این مکان‌ها بر محدوده‌ای که در زمان شارع وجود داشته حمل می‌شود. برخی از فقیهان معاصر نیز در ارتباط با ترتب حکم تخییر بین قصر و اتمام بر قسمت قدیم مسجدالحرام چنین نگاشته‌اند:

در صورت چشم‌پوشی از آنچه گفتیم (تخییر بین قصر و اتمام در تمام مکه و مدینه و نه خصوص مسجدالحرام و مسجدالنبی) باید چنین گفت که لازم است در اجرای این حکم، مسجدالحرام و مسجدالنبی را مطابق با حدی که در زمان ائمه علیهم‌السلام داشته‌اند در نظر گرفت و نمی‌توان حکم مزبور را از آن مقدار، به

مقادیر توسعه یافته سرایت داد؛ زیرا ضروری است که مسجدالحرام و مسجدالنبی دو واقعیت خارجی هستند که در آن زمان بوده و متعلق حکم واقع شده‌اند و این دو، عنوان عامی مثل «مسجد» ندارند تا مانند قضایای حقیقیه، تابع اطلاق آن اسم و عنوان در هر زمان باشند.^۱

۳. نقد و بررسی و بیان قول مختار

به نظر می‌رسد ادله‌ای که ممکن است به عنوان دلیل بر ترتب احکام شرعی بر محدوده قدیم اماکن مقدس به آن استناد شود خالی از مناقشه نباشد. از این رو لازم است به ترتیبی که بیان شد بررسی شوند.

بررسی دلیل اول (روایات خاص و تنقیح مناط)

اولین دلیل (روایت زراره) از جهات مختلف قابل مناقشه است:

۱. به نظر می‌رسد فقره «إِنَّمَا يَكْرَهُ أَنْ يَنَامَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ، فَأَمَّا النَّوْمُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ» در روایت زراره، کلام راوی و نتیجه‌گیری خود اوست، از این رو از حجیت و اعتبار، برخوردار نیست و در نتیجه قابل استناد نیست؛

۲. با قطع نظر از اشکال اول و پذیرش این مطلب که فقره مورد گفت‌وگو کلام امام علیه السلام باشد، احتمال دارد حکم مزبور فقط به موضوع خوابیدن در مسجدالحرام اختصاص داشته باشد و نتوان از آن الغای خصوصیت کرد؛ زیرا چه بسا خوابیدن در قسمت قدیم مسجد از این جهت که هتک حرمت کعبه محسوب شده و مانع طواف طواف‌کنندگان بوده است جایز نبوده است خصوصاً با توجه به این نکته که مسجدالحرام در زمان راوی، توسعه یافته و اطراف کعبه و محدوده اصلی طواف در آن زمان، قسمت قدیم مسجدالحرام را تشکیل می‌داده است.

۱... لو أعمضنا عما ذكرناه فاللزام هو الاقتصار على الحد الذي كان في زمن الأئمة عليهم السلام، و لا يمكن التعدى عن ذلك الى المقدار الموسع فيه، ضرورة أن مسجد الحرام و مسجد النبي صلى الله عليه وآله، إنما هو أمر خارجي، و ليس من قبيل الموضوع في القضايا الحقيقية حتى يؤخذ بإطلاقه في أي عصر و زمان. (میلانی، محاضرات فی فقه الإمامیه، ص ۳۲۰)

شاهد بر خصوصیت داشتن خوابیدن نیز روایاتی است که نماز طواف در هر نقطه از مسجدالحرام را جایز می‌شمرد؛ مثلاً اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

پدرم پیوسته می‌فرمود: هر کس که به این خانه هفت مرتبه طواف کند و دو رکعت نماز طواف در هر جایی از مسجد که خواست بخواند خداوند متعال برای او شش هزار حسنه ثبت می‌کند...^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۱۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۳۰۳)

از طرفی گزارش‌های تاریخی (ازرقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۲) حاکی از این است که محدوده مسجدالحرام در زمان امام صادق علیه السلام گسترش فراوانی یافت. بنابراین طبق این روایت، جواز ادای نماز در هر جای مسجد شامل قسمت‌های توسعه یافته در زمان راوی نیز می‌شده است.

۳. با فرض پذیرش «عدم خصوصیت برای خوابیدن» هم نمی‌توان اثبات کرد که احکام مسجدالحرام مختص قسمت قدیم آن است؛ زیرا به نظر می‌رسد حکم کراهت خوابیدن در قسمت قدیم مسجد از جهت توسعه و عدم توسعه یا قدیم و جدید بودن نیست. بلکه از جهت مانعیت خوابیدن از طواف سایرین است که این مانعیت در قسمت قدیم اتفاق می‌افتد و قدیم بودن محدوده اصلی مسجد در این حکم دخیل نیست؛ به عبارت دیگر اگر خوابیدن در قسمت جدید و توسعه یافته مسجدالحرام هم مانع از طواف سایرین باشد خوابیدن در این قسمت‌ها نیز کراهت دارد.

بررسی دلیل دوم (اصل عملی احتیاط)

درباره اصل عملی احتیاط نیز می‌توان گفت، علت جریان این اصل این است که مکلف در شناخت موضوع حکم دچار تردید است. به دیگر سخن نمی‌داند موضوعی مانند مسجد شجره یا شهر مکه، فقط بر محدوده قدیم صادق است یا

۱. إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «كَانَ أَبِي يَقُولُ: مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ أُسْبُوعاً وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي أَيِّ جَوَانِبِ الْمَسْجِدِ شَاءَ اللَّهُ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةٍ الْحَدِيثُ».

بر محدوده توسعه یافته نیز قابل اطلاق است؟ بنابراین اگر مکلف به موضوع حکم، علم پیدا کند، تردید او زایل شده و مجالی برای جریان اصل احتیاط باقی نمی ماند. اما نکته مهم این است که شناخت موضوع در چنین مواردی بر عهده کیست؛ فقیه، مکلف یا عرف خاص و کارشناس آگاه به موضوع؟

به نظر می رسد متولی شناخت موضوع، فقیه مجتهد است؛ چراکه موضوعاتی که متعلق حکم قرار گرفته در عین ساده بودن باید برای فهم دقیق جوانب آن و پاسخ دادن به فروعی که در ارتباط با آن مطرح می شود به ادله شرعی رجوع کرد؛ برای مثال درباره محدوده شهر مکه ممکن است فقیه بتواند با توجه به روایاتی که در موضوع قصر نماز در سفر وارد شده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰۰) ملاک در اطلاق شهر بر یک منطقه را از دید شارع کشف کند و آن را بر موضوع مورد گفت و گو تطبیق دهد؛ مثلاً در روایت ملاک قصر نماز، دور شدن مکلف از خانه های مسکونی شهر است؛ یعنی تا اندازه ای که خانه های مسکونی شهر، توسعه یافته است امکان اطلاق شهر وجود دارد و شارع نیز این اطلاق را پذیرفته است. بنابراین می توان این مفهوم را بر قسمت های توسعه یافته کنونی از شهر مکه نیز اطلاق کرد و این قسمت ها را نیز داخل در عنوان «شهر مکه» دانست.

ممکن است گفته شود این گونه کشف موضوع نوعی قیاس است؛ زیرا در این استدلال، بین نماز و حج مقایسه صورت گرفته و حکم یکی (نماز) به دیگری (حج) سرایت داده شده است.

پاسخ: بر این گونه استدلال و کشف موضوع از دید شارع، قیاس اطلاق نمی شود؛ زیرا در قیاس موضوع، در مقیس و مقیس علیه روشن و معلوم است و فقط حکم یک موضوع، از طریق قیاس به موضوع دیگر که حکمش مجهول است سرایت داده می شود، در حالی که در محل گفت و گو، بحثی از کشف حکم نیست و حکم موضوع در هر دو (نماز و حج) مشخص است و آنچه در باب حج نامعلوم است، مصداق خارجی و حدود موضوع است و از آنجا که همین

موضوع با حدی معلوم، در بابی دیگر متعلق حکم قرار گرفته، فقیه می‌تواند همان حدود را برای شناخت و تعیین موضوع در باب حج ملاک قرار دهد؛ چراکه موضوع حکم در هر دو باب یکی است.

به دیگر سخن موضوع حکم شرعی در هر دو (نماز و حج) «شهر» است، با این تفاوت که شارع در باب نماز، حد نهایی شهر را آخرین خانه‌های مسکونی دانسته، و مخفی شدن از خانه‌های شهر را ملاک قصر نماز قرار داده و در باب حج، بیرون رفتن از شهر مکه را بدون تعیین حدود شهر نهی کرده است. بنابراین با توجه به اینکه موضوع حکم، در هر دو باب یکی است و این احتمال وجود ندارد که شهر به عنوان موضوع قصر نماز با شهر به عنوان موضوع حرمت خروج متفاوت باشد، فقیه می‌تواند برای شناخت حد موضوع حکم در باب حج، از همان حد موضوع در باب نماز که شارع معلوم کرده استفاده کند؛ به عبارت دیگر شارع موضوع حکم شرعی را در یک باب فقه به صورت اجمال و در بابی دیگر به صورت تفصیلی بیان کرده است و فقیه از بیان تفصیلی شارع برای کشف حد موضوع در باب دیگر بهره می‌برد.

درباره مسجد شجره یا کوفه نیز این شبهه وجود دارد که آیا حکم این دو مسجد شامل قسمت‌های توسعه یافته هم می‌شود یا نه؟ در این فرض نیز فقیه می‌تواند با استناد به قرائنی، به عمومیت احکام شرعی نسبت به کل این مکان‌ها حکم کند؛ همان‌طور که برخی از فقها سرایت حکم مسجد به قسمت توسعه یافته مسجد الحرام را بعید ندانسته‌اند. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۳۱۱) قرائنی مثل اینکه اگر صرف توسعه در محدوده این اماکن، موجب ایجاد تردید در صدق اطلاق عنوان، بر محدوده توسعه یافته شود باید این تردید، خود را در عصر ائمه علیهم‌السلام نشان دهد و به دلیل مبتلا به بودن مسئله، حداقل بخشی از سؤال روات به این مسئله اختصاص یابد که مثلاً مراد از مسجد شجره که احرام از آن لازم است، مسجد عصر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا مسجد در حال حاضر است؟ در حالی که اثری از این گونه سؤالات در روایات دیده نمی‌شود.

اما در این باره نمی‌توان به روایاتی که توسعه مسجدالحرام را مانع از اطلاق عنوان و ترتب حکم ندانسته استناد جست؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۲۶)^۱ زیرا مفاد این روایات این است که توسعه اتفاق افتاده هنوز کمتر از محدوده واقعی و اولی مسجدالحرام است. بنابراین هرگونه توسعه که در زمان امام علیه السلام اتفاق افتاده، در واقع مسجدالحرام را به حد اولی خودش بازگشت داده و توسعه مورد گفت‌وگو محسوب نمی‌شود. مگر اینکه گفته شود مسجدالحرام در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام دارای محدوده مشخصی نبوده است، وگرنه باید این محدوده را امام به صورت دقیق معین می‌کرد و همین تعیین اجمالی دلالت دارد بر اینکه مراد حضرت، تعیین حد شرعی برای مسجد نبوده است، بلکه ایشان درصدد بوده‌اند شبهه غصیت در محدوده توسعه‌یافته مسجدالحرام را برطرف کنند.

نتیجه: مادامی که شناخت موضوع برای فقیه ممکن باشد، رجوع به اصل عملی توجیهی ندارد.

بررسی دلیل سوم (واقعیت خارجی بودن مکان‌های مقدس)

اما نهایت دلیلی که قائل به اختصاص احکام شرعی به محدوده قدیمی این مکان‌ها می‌تواند ارائه دهد، استدلالی است که محقق میلانی تبیین کرده است مبنی بر اینکه مسجدالحرام یک واقعیت خارجی است که در زمان ائمه علیهم السلام وجود داشته است و نمی‌توان با آن مانند قضایای حقیقه رفتار کرد و تابع اطلاق اسم مسجدالحرام بر محدوده آن در هر زمان دانست.

به نظر می‌رسد استدلال فوق نیز اشکال دارد:

۱. واقعیت خارجی بودن مسجدالحرام و وجود در زمان ائمه علیهم السلام در صورتی مانع از ترتب احکام خاص این مسجد بر قسمت‌های جدید می‌شود که در

۱. عِلِّيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَبْرِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: قَالَ لَهُ الطَّبَّارُ وَأَنَا حَاضِرٌ هَذَا الَّذِي زِيدَ هُوَ مِنَ الْمَسْجِدِ؟ فَقَالَ: «نَعَمْ إِنَّهُمْ لَمْ يَتْلُغُوا بَعْدُ مَسْجِدَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ».

همان زمان، محدوده‌ای شرعی برای مسجد تعریف شده باشد، درحالی که هیچ محدوده خاصی برای مسجدالحرام تعریف نشده است.

۲. مطابق گزارش‌های روایی تاریخی، توسعه‌هایی در زمان امام صادق علیه السلام در محدوده مسجدالحرام صورت گرفته که آن حضرت موافق بوده یا لا اقل نهی از حضرت گزارش نشده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۲۶) این توسعه به همراه تأیید یا عدم ردع ایشان حاکی از این است که مسجدالحرام، محدوده خاص شرعی نداشته است؛ چراکه اگر می‌داشت باید نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بیان می‌کرد و امام صادق علیه السلام نیز از افزودن بر آن محدوده، نهی می‌کرد.

گذشته از اینکه مطابق با برخی روایات، که پیش‌تر گذشت، امام علیه السلام محدوده اصلی مسجدالحرام را محدوده زمان حضرت ابراهیم علیه السلام بیان کرده‌اند که بیشتر از توسعه مسجدالحرام در زمان ایشان بوده است. (همان)

ممکن است گفته شود: محدوده‌ای که امام صادق علیه السلام برای مسجدالحرام مشخص کردند، همان محدوده‌ای است که در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان محدوده اصلی مسجد محسوب می‌شد؛ و با وجود اعلام چنین محدوده‌ای برای مسجدالحرام، شرعاً امکان افزودن بر آن وجود ندارد.

اما در پاسخ می‌توان گفت:

اولاً: مطابق با گزارش‌های تاریخی، در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام تا زمان قُصی بن کلاب، خانه‌ای در اطراف کعبه نبوده و مسجدالحرام، دیوار یا علامت و نشانه خاصی که محدوده آن را مشخص کند نداشته است؛

ثانیاً: بر فرض بپذیریم مسجدالحرام در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام دارای محدوده مشخصی بوده و این محدوده خصوصیت داشته است، باید امام علیه السلام به صورت دقیق تعیین می‌کرد و همین تعیین اجمالی دلالت دارد بر اینکه مد نظر حضرت، تعیین حد شرعی برای مسجد نبوده است، بلکه ایشان درصدد بوده‌اند شبهه غصبیت درباره محدوده توسعه یافته مسجدالحرام را برطرف کنند.

۳. ملاحظه دیگری که بر استدلال محقق میلانی وارد است، واقعیت

خارجی دانستن مسجدالحرام است، در حالی که مسجدالحرام عنوانی کلی است که تنها یک مصداق دارد و انحصار مصداق موجب نمی‌شود احکامی که بر کلی این عنوان مترتب است، فقط بر مصداق آن در عصر تشریح و زمان ائمه علیهم‌السلام مترتب شود.

علاوه بر اینکه واقعیت خارجی بودن مسجدالحرام مانع توسعه آن در هر زمان نیست؛ زیرا این واقعیت در همان زمان تشریح و تبیین شریعت نیز دستخوش تغییر و توسعه شده و منع و نهی از ناحیه شارع صورت نگرفته است.

۴. نتیجه بحث

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:
الف) عمده فقیهان امامیه در بحث از حکم شرعی مربوط به مکان‌های مقدس، درباره علت اختصاص این احکام به محدوده قدیم، استدلال خاصی را مطرح نکرده‌اند، اما ممکن است بتوان گفت علت این اختصاص، استناد به روایات خاص و تنقیح مناط از آنها و سرایت حکم به همه احکام شرعی است. همچنین ترتب حکم شرعی بر محدوده قدیم، به احتیاط نزدیک‌تر است.
برخی نیز معتقداند مکان‌های مقدسی مانند شهر مکه، مسجدالحرام و مسجد کوفه عناوین عامی نیستند تا دارای افراد و مصادیق متعدد باشند و احکام مترتب بر آنها مانند قضایای حقیقیه، تابع اطلاق اسم و عنوان باشند. بلکه این مکان‌های مقدس به عنوان پدیده و واقعیت خارجی موجود در عصر تشریح، موضوع حکم قرار گرفته‌اند. از این رو احکامی که شارع مقدس در خصوص این مکان‌ها بیان کرده است، بر محدوده‌ای که در زمان شارع وجود داشته حمل می‌شود؛

ب) در بررسی ادله‌ای که به آن استناد شده است یا ممکن است بدان تمسک شود معلوم شد که روایات از نظر دلالت دارای اشکالات فراوان است و امکان سرایت حکم موارد خاص در این ادله به عموم احکام شرعی وجود

ندارد. همچنین با فرض امکان علم پیدا کردن فقیه به موضوع حکم در محل بحث، مجالی برای تمسک به اصول عملیه نیست و واقعیت خارجی دانستن اماکن مقدس نیز ناصحیح است؛ زیرا این مکان‌ها دارای عنوانی کلی است که تنها یک مصداق دارد و انحصار مصداق موجب نمی‌شود احکامی که بر کلی این عنوان مترتب است، فقط بر مصداق آن در عصر تشریح و زمان ائمه علیهم‌السلام مترتب شود. علاوه بر اینکه واقعیت خارجی بودن این مکان‌ها، مانع توسعه آنها در هر زمان نیست؛ زیرا این واقعیت خارجی در همان عصر تشریح و تبیین شریعت نیز دستخوش تغییر و توسعه شده و منع و نهی از ناحیه شارع صورت نگرفته است.

نتیجه اینکه منعی از اطلاق نام و عنوان اماکن مقدس دارای احکام شرعی بر قسمت‌های توسعه یافته آن نیست و هراندازه که بر محدوده این اماکن مقدس افزوده شود، احکام خاص این مکان‌ها بر آن مترتب می‌شود.

منابع

- الشهيدة، چاپ اول.
۸. _____ (۱۴۲۳ق). **التهذيب**
في مناسك العمرة و الحج، قم،
دارالتفسير، چاپ اول.
۹. حر عاملي، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)،
تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل
مسائل الشريعة، قم، مؤسسة
آل البيت (عليه السلام)، چاپ اول.
۱۰. حكيم، سيد محسن (۱۴۱۶ق)، **دليل**
الناسك تعليقة وجيزة على مناسك
الحج، نجف، مدرسه دارالحكمة، چاپ
سوم.
۱۱. خميني، سيدروح الله (بي تا)، **تحرير**
الوسيلة، قم، مؤسسه مطبوعات
دارالعلم، چاپ اول.
۱۲. خوئي، سيدابوالقاسم (۱۴۱۰ق)،
المعتمد في شرح المناسك، قم،
منشورات مدرسه دارالعلم - لطفی،
چاپ اول.
۱۳. سيستاني، سيدعلي (۱۴۲۲ق)،
المسائل المنتخبه، قم، دفتر آيت الله
سيستاني، چاپ نهم.
۱۴. شيخ صدوق، محمد بن علي
(۱۴۱۳ق)، **من لا يحضره الفقيه**، قم:
دفتر انتشارات اسلامي وابسته به
۱. آملی، محمدتقی (۱۳۸۰ق)، **مصباح**
الهدی فی شرح عروة الوثقی، تهران،
نشر مؤلف، چاپ اول.
۲. ازرقی، محمد بن عبدالله (بی تا)،
اخبار مكة و ما جاء فيها من الآثار،
مکه، مكتبة ثقافه.
۳. ابن براج، قاضي عبدالعزيز بن تحرير
(۱۴۰۶ق)، **المهذب**، قم، دفتر
انتشارات اسلامي وابسته به جامعه
مدرسين حوزة علميه قم، چاپ اول.
۴. ابن حمزه، محمد بن علي (۱۴۰۸ق)،
الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم،
کتابخانه آيت الله مرعشي نجفی، چاپ
اول.
۵. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۶ق)، **جامع**
المسائل، قم، دفتر معظم له، چاپ دوم.
۶. بحرانی، يوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)،
الحدائق الناضرة في احكام العترة
الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامي
وابسته به جامعه مدرسين حوزة
علميه قم، چاپ اول.
۷. تبریزی، جواد بن علي (۱۴۲۷ق)،
صراط النجاة، قم، دارالصدیقة

- جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم.
۱۵. شهيد اول، محمد بن مكي (۱۴۱۷ق). **الدروس الشرعية في فقه الامامية**، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم.
۱۶. شهيد ثاني، زين الدين بن علي (۱۴۱۹ق). **فوائد القواعد**، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.
۱۷. _____ (بي تا). **روض الجنان في شرح ارشاد الأذهان**، قم، موسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول.
۱۸. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۴۰۴ق). **جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام**، بيروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ هفتم.
۱۹. طوسي، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). **تهذيب الاحكام**، تهران، دارالكتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۲۰. _____ (۱۳۸۷ق). **المبسوط في فقه الامامية**، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم.
۲۱. علامه حلي، حسن بن يوسف (۱۴۱۰ق)، **إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان**، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، چاپ اول.
۲۲. _____ (۱۴۱۳ق). **قواعد الاحكام**، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.
۲۳. _____ (۱۴۱۲ق). **متهي المطلب**، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول.
۲۴. فخر المحققين، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). **ايضاح الفوائد**، قم، مؤسسه اسماعيليان، چاپ اول.
۲۵. كاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق). **كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء**، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، چاپ اول.
۲۶. كليني، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق). **الكافي**، تهران، دارالكتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۲۷. گلپايگانی، محمدرضا (۱۴۰۳ق). **كتاب الحج**، قم، دارالقرآن الكريم، چاپ اول.
۲۸. مازندراني، محمدهادي (۱۴۲۹ق). **شرح فروع الكافي**، قم، دارالحديث، چاپ اول.

۲۹. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق)، **المختصر النافع فی فقه الامامیه**، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیة، چاپ ششم.
۳۰. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷ق)، **ذخیره المعاد فی شرح الارشاد**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۳۱. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم.
۳۲. مظاہری، منصور (۱۳۹۷ش)، **مناسک حج مطابق با فتوای امام خمینی و مراجع تقلید**، تهران، نشر مشعر، چاپ سیزدهم.
۳۳. _____ (۱۳۹۸ش)، **مناسک همراه، گزیده‌ای از مناسک عمره و حج**، تهران، نشر مشعر، چاپ اول.
۳۴. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)، **مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرایع الاسلام**، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۳۵. میلانی، سیدمحمدهادی (۱۳۹۵ق)، **محاضرات فی فقه الإمامیه - صلاة المسافر و قاعدتی الصحة و البد**
- مشهد، مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه فردوسی، چاپ اول.
۳۶. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، **مستند الشیعة فی احکام الشریعه**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.